



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

مشخصات گزارش:

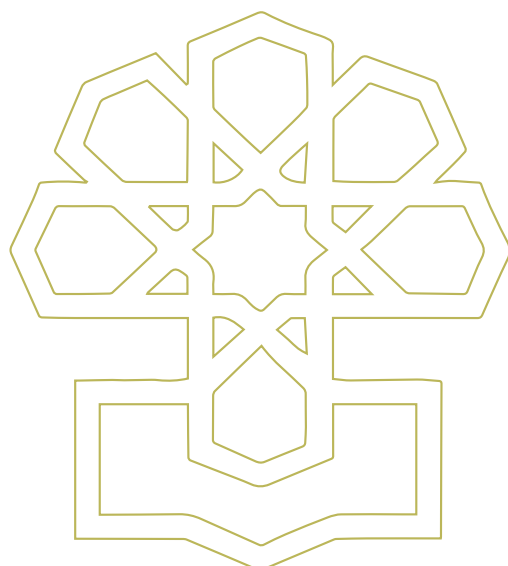
نوع گزارش:

طرح و لایحه

نظارتی

راهبردی

پیش‌نویس قانونی



شبکه‌سازی تشکلهای اجتماعی در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها



حسام عزت‌آبادی‌پور، محسن ردادی



دفتر مطالعات اجتماعی

(تعاون، مشارکت و
سرمایه اجتماعی)

شماره مسلسل:
۲۱۰۲۰۷۷۱

تاریخ انتشار:
۱۴۰۴/۳/۷

تاریخ شروع مطالعه:
۱۴۰۳/۱۲/۱۸



چکیده

تشکلهای اجتماعی به‌عنوان نهادهایی مؤثر در حل مسائل اجتماعی شناخته می‌شوند. اصطلاح «شبکه» به مجموعه‌ای از شبکه‌های اجتماعی اطلاق می‌شود که در موضوع یا هدفی مشترک گرد هم می‌آیند و کنش‌های هماهنگ و منسجمی در زیست‌بوم اجتماعی کشور انجام می‌دهند. وجود شبکه‌هایی توانمند از تشکلهای اجتماعی می‌تواند منجر به «افزایش قدرت و تأثیرگذاری»، «هماهنگی در برابر چالش‌های پیچیده»، «اشتراک دانش و تجربه»، «استفاده بهینه از منابع»، «ارتقای اعتبار» و «افزایش تاب‌آوری» تشکلهای اجتماعی در کشور شود. گزارش حاضر پس از بررسی وضعیت شبکه‌های تشکلهای اجتماعی در ایران، چالش‌های عمده‌ای مانند تعارضات روشی، موازی‌کاری، پوشش ناقص موضوعی و جغرافیایی، اختلافات راهبردی و فقدان جایگاه قانونی را شناسایی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که نقصان شبکه‌های استانی و ملی، موجب کاهش کارایی و اثرگذاری این گروه از حلقه‌های میانی شده است. برای رفع این موانع، چهار پیشنهاد سیاستی مهم ارائه شده است: نخست، تدوین سند راهبردی شبکه‌سازی با تعریف استانداردهای حداقلی و سازوکارهای حمایتی. دوم، ایجاد سازوکارهای ارزیابی و اعتبارسنجی تشکلهای شبکه‌های آنها. سوم، نهادینه‌سازی حضور نمایندگان شبکه‌ها در نهادهای تصمیم‌گیر و نظارتی. چهارم، تأسیس صندوق حمایتی برای توانمندسازی و تقویت مالی شبکه‌ها. این راهکارها در صورت اجرا می‌توانند به ایجاد ساختاری منسجم، شفاف و اثرگذار برای شبکه‌های تشکلهای اجتماعی منجر شوند و نقش آنها را در حکمرانی اجتماعی تقویت کنند. اجرای این پیشنهادها نیازمند همکاری بین قوای مقننه و مجریه و مشارکت فعال خود تشکلهاست.

محمدتقی ضرغام‌افشار (مدیرمطالعه)؛ محمدرضا مالکی، هادی افراسیابی (ناظران علمی)؛ زهره عطاردی (ویراستار ادبی)؛ محمد دهقانی شهبابی (صفحه‌آرا).



۱. مقدمه

تشکل‌های اجتماعی نقش مهمی در خلق ارزش اجتماعی دارند. این تشکل‌ها در حوزه‌های گوناگون مشغول فعالیت هستند و توانسته‌اند تأثیرات مهمی در حوزه اجتماعی داشته باشند. به همین دلیل تشکل‌های اجتماعی در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و از نظر تعداد و کیفیت، رشد داشته‌اند. مطالعات نشان می‌دهد این سازمان‌ها در کشورهای در حال توسعه تا ۴۰٪ ارائه خدمات اجتماعی را برعهده دارند [۱].

تأثیرگذاری مضاعف تشکل‌های اجتماعی، نیازمند همکاری و هماهنگی میان آنهاست. شکل‌گیری «شبکه‌های تخصصی» و «شبکه‌های جامع و سراسری» از تشکل‌ها می‌تواند باعث هم‌افزایی آنها شود. به‌علاوه، از موازی‌کاری و رقابت‌های غیرسازنده جلوگیری کند. به‌رغم ضرورت و اهمیت تأسیس شبکه‌های سراسری (که در ادامه به آن اشاره می‌شود)، تاکنون اقدام مؤثری در این زمینه رخ نداده است. در برخی از حوزه‌های تخصصی مانند تشکل‌های مراقبتی و حمایتی زنان آسیب‌دیده یا در معرض خطر (خانه‌های امن)، شبکه‌سازی نشده و در برخی از حوزه‌ها نیز مانند افراد دارای معلولیت جسمی- حرکتی، شبکه‌های همسان و رقیب شکل گرفته که به‌جای همکاری منجر به افتراق میان آنها شده و به‌نوعی نقض غرض رخ داده است.

علاوه‌براین، عدم حضور شبکه‌های گسترده اجتماعی در استان‌ها و شبکه‌های سراسری در سطح ملی، منجر به آن شده که نهادهای اجرایی و تقنینی کشور برای اخذ مشارکت از آنها در فرایندهای تصمیم‌گیری، نظارتی و اجرایی امور اجتماعی کشور با مشکلات فراوانی مواجه شوند. به‌عنوان نمونه، تلاش معاونت اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای دریافت نظرات نماینده تشکل‌ها و کسب‌وکارهای اجتماعی فعال در حوزه توانمندسازی زنان در تدوین مقررات و سازوکارهای اجرایی برنامه اشتغال بانوان به همین دلیل نافرجام ماند. به‌طور خلاصه، شاهد نوعی «آشفتنگی» در شبکه‌سازی میان تشکل‌ها هستیم و این امر مانع از افزایش کارآمدی این نهادهای ارزشمند شده است.

۲. اهمیت و ضرورت شکل‌گیری شبکه‌ای از تشکل‌های اجتماعی

شبکه‌سازی در هر حوزه‌ای به‌ویژه در میان تشکل‌های اجتماعی واجد اهمیت است و می‌تواند باعث افزایش اثرگذاری آنها در عرصه اجتماعی کشور شود. پژوهش‌ها حکایت از آن دارند که ایجاد شبکه‌های تخصصی و سراسری از تشکل‌های اجتماعی می‌تواند به اجرای بهتر مأموریت‌های اجتماعی آنها منتج شود. اهم دلایل این ادعا به‌شرح زیر است:

الف) افزایش قدرت و تأثیرگذاری: شبکه‌سازی بین تشکل‌ها می‌تواند به افزایش قدرت تأثیرگذاری آنها کمک کند. گروه‌های مردمی می‌توانند با اشتراک منابع، تأثیرگذاری خود را افزایش دهند. فعالیت شبکه‌ای تشکل‌ها باعث می‌شود که امکان ایجاد حرکت‌های جمعی برای حل مسائل و آسیب‌های اجتماعی فراهم شود [۲].

ب) هماهنگی در برابر چالش‌های پیچیده: امور اجتماعی پیچیده و چندلایه هستند و معمولاً هرکدام از این تشکل‌ها از منظر خاصی به این امور می‌نگرند. جمع آمدن این تشکل‌ها در قالب یک شبکه، باعث می‌شود که این نظرگاه‌ها با یکدیگر تلفیق شده و به‌صورت چندبعدی و جامع‌تری به این امور پرداخته شود. در این شرایط، ابعاد مختلف آن مسائل پوشش داده می‌شود و احتمال حل بهینه مسائل اجتماعی افزایش می‌یابد [۳].

ج) اشتراک دانش و تجربه: یکی از مهم‌ترین تأثیرات شبکه‌سازی تبادل دانش و تجربه بین تشکل‌های اجتماعی است. هرکدام از این تشکل‌ها، تجربه‌ها و دانش متفاوتی دارند و ترکیب آنها می‌تواند به بهبود دانش و کیفیت عملکردی تمامی آنها کمک کند. این شبکه‌ها از طریق مدیریت دانش به تشکل‌ها تحت پوشش خود کمک می‌کنند تا از اشتباهات گذشته درس بگیرند و بهترین شیوه‌های عملکردی و رفتاری را در حوزه فعالیت‌های خود برگزینند [۴].

د) استفاده بهینه از منابع: شبکه‌سازی بین تشکل‌های اجتماعی می‌تواند مانع از موازی‌کاری تشکل‌ها و هدررفت منابع شود. در نتیجه شاهد کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی خواهیم بود [۵]. همچنین، شبکه‌ها می‌توانند هزینه‌های هماهنگی بین‌سازمانی را تا ۳۵٪ کاهش دهند [۶]. به‌عنوان یک تجربه موفق، تشکل‌های اجتماعی در آمریکای لاتین توانستند با



تشکیل یک شبکه بزرگ، پوشش خدمات آموزشی خود را ۲۷٪ افزایش دهند [۷].

ه) **ارتقای اعتبار:** تشکل‌های اجتماعی زمانی می‌توانند اعتبار و حقانیت کافی برای اقدام‌های اجتماعی داشته باشند که در قالب شبکه‌های هماهنگ عمل کنند. شبکه تشکل‌های اجتماعی می‌تواند به‌عنوان نماینده معتبر جامعه در تعاملات با دولت و سایر نهادها عمل کنند [۸]. همچنین شبکه‌سازی بین تشکل‌ها می‌تواند به ایجاد ارتباط مؤثر با ذی‌نفعان اعم از جامعه هدف، صاحب‌نظران، نخبگان اجرایی و سازمان‌های غیردولتی کمک کند [۹]. پژوهش‌ها در اروپا نشان می‌دهد شبکه تشکل‌ها، ۳ برابر بیشتر از جمع جبری تمامی تشکل‌های تحت پوشش خود در تصمیم‌سازی و اصلاح سیاست‌ها توفیق داشته‌اند [۱۰]. به‌عنوان نمونه، ائتلاف ۱۵۰ تشکل در جنوب آفریقا منجر به اصلاح ۱۲ قانون به نفع مردم شد [۱۱].

و) **افزایش تاب‌آوری:** تشکل‌های اجتماعی در معرض فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند و این موضوع ممکن است حتی به بهای انحلال آنها تمام شود. شبکه‌سازی بین تشکل‌های اجتماعی می‌تواند به مقاومت در برابر فشارها و تهدیدها کمک کند و به بقای آنها منجر شود [۱۲].

۳. آسیب‌شناسی وضع موجود

وضعیت کنونی شبکه‌سازی تشکل‌های اجتماعی در ایران با چالش‌های ساختاری متعددی روبه‌رو بوده که کارایی و اثرگذاری این نهادهای مدنی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. فقدان شبکه‌های منسجم در سطوح استانی و ملی موجب شکل‌گیری موانع جدی در هماهنگی، اثرگذاری جمعی و نقش‌آفرینی مؤثر این تشکل‌ها در حل مسائل اجتماعی کشور و فرایندهای سیاستگذاری اجتماعی شده است. در ادامه، مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از این وضعیت با استناد به شواهد عینی، تجربیات میدانی و نظرات نخبگان اجرایی^۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) تضاد و تعارض در فعالیت‌های تخصصی

یکی از بارزترین چالش‌های پیش روی تشکل‌های اجتماعی، وجود تعارض‌های رفتاری و روشی در حوزه‌های تخصصی فعالیت آنهاست. این وضعیت ناشی از عدم شکل‌گیری سازوکارهای استاندارد برای تسهیم دانش و تجربیات میان تشکل‌های فعال در حوزه‌های مشترک است. به‌عنوان مثال، در حوزه کودکان کار شاهد دو رویکرد کاملاً متعارض هستیم: برخی تشکل‌ها با تمرکز بر حمایت‌های مادی به توزیع غذا و البسه می‌پردازند، درحالی‌که تشکل‌های دیگر با استناد به اصول حقوق بشری، این روش را نه‌تنها بی‌اثر بلکه آسیب‌زا می‌دانند. این تعارض‌های عملیاتی نه‌تنها موجب سردرگمی ذی‌نفعان و جامعه هدف شده، بلکه اثربخشی برنامه‌های حمایتی را نیز به شدت کاهش و بودجه و اعتبارات این حوزه را هدر داده است.

ب) هم‌پوشانی و موازی‌کاری

در برخی حوزه‌های تخصصی مانند حمایت از افراد دارای معلولیت جسمی-حرکتی، شاهد شکل‌گیری چند شبکه موازی با مأموریت‌های مشابه هستیم. این وضعیت منجر به اتلاف منابع محدود و کاهش کارایی جمعی شده است. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که در جلسات مشورتی با نهادهای دولتی، گاه نمایندگان شبکه‌های مشابه با ارائه نظرات متناقض حاضر می‌شوند که این امر به بلااثر شدن نظرات جامعه مدنی در فرایندهای تصمیم‌گیری منجر شده است. همچنین، رقابت ناسالم بین این شبکه‌ها برای جذب منابع و امتیازات، فضای همکاری را به فضایی تخریبی تبدیل کرده است.

ج) شکاف در پوشش موضوعی

نظام کنونی شبکه‌سازی تشکل‌های اجتماعی از نظر پوشش موضوعی با نابرابری‌های قابل توجهی روبه‌رو است. درحالی‌که در حوزه‌هایی مانند درمان کودکان و افراد مبتلا به سرطان یا مدرسه‌سازی شاهد شبکه‌های منسجم و کارآمد هستیم، بسیاری از حوزه‌های حساس اجتماعی مانند حمایت از زنان آسیب‌دیده یا معلولان ذهنی فاقد ساختارهای شبکه‌ای مناسب هستند. این ناهمگونی در پوشش موضوعی، منجر به شکل‌گیری نقاط کور در ارائه خدمات اجتماعی شده و دسترسی عادلانه به حمایت‌های تخصصی را با مشکل مواجه کرده است.

۱. برای مشاهده فهرست نخبگان اجرایی مشارکت‌کننده در این بخش به پیوست گزارش مراجعه کنید.



د) تمرکز جغرافیایی و عدم تعادل منطقه‌ای

الگوی کنونی شبکه‌سازی از نظر توزیع جغرافیایی نیز با چالش‌های جدی روبه‌رو است. اغلب شبکه‌های موجود در پایتخت و کلان‌شهرها متمرکز شده‌اند و بسیاری از استان‌های محروم از حضور مؤثر در این ساختارها محروم هستند. این درحالی است که مدل مطلوب شبکه‌سازی باید از سطوح محلی (استانی) آغاز و به تدریج به ساختارهای ملی ارتقا یابد؛^۱ اما تمرکز فعلی نه تنها مشارکت تشکلی‌های مناطق کمتر برخوردار را محدود کرده، بلکه موجب شکل‌گیری شکاف عمیق بین مرکز و پیرامون در عرصه فعالیت‌های اجتماعی شده است.

ه) اختلاف در الگوهای کنشگری

شبکه‌های تخصصی کشور در الگوی رفتاری و عملیاتی خود تفاوت‌های بنیادین دارند. برخی شبکه‌ها با تأکید بر استقلال مالی و سازمانی، هرگونه تعامل مالی و سیاسی با دولت را مردود می‌دانند و منابع خود را از طریق مشارکت‌های مردمی و بین‌المللی تأمین می‌کنند. در مقابل، شبکه‌های دیگری وجود دارند که تعامل ساختاری با نهادهای دولتی را ضروری می‌دانند و از طریق سازوکارهای رسمی به ایفای نقش می‌پردازند.

همچنین برخی از شبکه‌ها، متمایل به کنشگری تند و تهاجمی هستند و برخی دیگر این رویکرد را مانع مطالبه‌گری و لابی‌گری برای ایجاد تغییرات بنیادین در سیاست‌های اجتماعی می‌دانند. این مسئله به‌خودی‌خود ایرادی ندارد، اما آنجایی که تبدیل به مسئله می‌شود که دو شبکه موازی (مثلاً در حوزه تشکلی‌های حامی معلولان جسمی - حرکتی) در یک موضوع مشترک (مانند کمک‌هزینه معیشت افراد دارای معلولیت بسیار شدید و یا شدید فاقد شغل و درآمد) اقدام به رفتار متناقض می‌کنند و کنش تند یکی از شبکه‌ها منتج به طرد شدن شبکه دیگر از جلسات مشورتی دولت در خصوص تعیین شیوه و میزان حمایت‌ها می‌شود.

و) فقدان نمایندگی ساختاری

شاید یکی از عمیق‌ترین آسیب‌های وضع موجود، فقدان سازوکارهای قانونی برای نمایندگی تشکلی‌های اجتماعی در ساختارهای حکومتی باشد. برخلاف نهادهای اقتصادی مانند اتاق بازرگانی یا اتاق تعاون که جایگاه رسمی در فرایندهای تقنینی دارند، تشکلی‌های اجتماعی از چنین امتیازی محروم هستند. این خلأ ساختاری موجب شده است که صدای جامعه مدنی در مهم‌ترین نهادهای سیاستگذار کشور مانند مجلس شورای اسلامی، شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی و شورای اجتماعی کشور و شوراهای توسعه و برنامه‌ریزی استان‌ها به گوش نرسد. نتیجه این وضعیت، غیبت دیدگاه‌های تخصصی و مردمی در طراحی و اجرای سیاست‌های اجتماعی کشور بوده است.

ز) شفافیت و پاسخ‌گویی نامناسب

با توجه به عدم تجانس و تناسب ساختارهای گزارش‌دهی تشکلی‌های عضو شبکه‌ها و همچنین شفافیت ناکافی بسیاری از آنها، بحث عدم شفافیت و پاسخ‌گویی در شبکه‌های این تشکلی‌ها نیز مطرح است. این در صورتی است که «شفافیت و پاسخ‌گویی»، برای تحقق سیاست‌های حمایتی و اجرای برنامه‌های توانمندسازی شبکه‌ها در زیست‌بوم اجتماعی کشور ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۴. توصیه‌های سیاستی

آسیب‌شناسی حاضر نشان می‌دهد که نظام شبکه‌سازی تشکلی‌های اجتماعی در ایران از ضعف‌های ساختاری عمیقی رنج می‌برد. این ضعف‌ها که شامل تعارضات روشی، موازی‌کاری، پوشش ناقص موضوعی و جغرافیایی، اختلافات راهبردی و فقدان جایگاه قانونی است، نه تنها کارآمدی تشکلی‌ها را کاهش داده، بلکه نقش نظارتی و مشورتی آنها در حکمرانی اجتماعی را نیز تضعیف کرده است. اصلاح این وضعیت مستلزم متشکل شدن تشکلی‌های استانی و ملی، تجمیع شبکه‌های تخصصی موجود و بازنگری اساسی در چارچوب‌های قانونی و ساختاری حاکم بر فعالیت تشکلی‌های اجتماعی است.

۱. انجمن‌های استانی و کانون‌های کشوری تشکلی‌های حوزه خدمات بهزیستی مانند توان‌بخشی، شبه‌خانواده و مثبت زندگی از این ویژگی برخوردار هستند.



الف) تدوین سند راهبردی شبکه‌سازی تشکل‌های اجتماعی

پیشنهاد می‌شود با تصویب قانونی در مجلس شورای اسلامی یا آیین‌نامه‌ای در هیئت‌وزیران، سند راهبردی جامعی برای شبکه‌سازی تشکل‌های اجتماعی تدوین شود. این سند باید تشکیل «مجمع^۱ ملی شبکه‌های تشکل‌های اجتماعی» را به‌عنوان یک نهاد غیرتجاری، غیرانتفاعی و غیردولتی تحت نظارت وزارت کشور الزامی کند تا تسهیل‌گر فرایند تشکیل شبکه‌های استانی و ملی باشد. سند باید استانداردهای حداقلی برای عضویت در شبکه‌ها از جمله شفافیت مالی، گزارش‌دهی دوره‌ای و پایبندی به اخلاق حرفه‌ای را تعریف کند. همچنین پیش‌بینی اعتبارات دولتی مشروط به تشکیل شبکه‌های تخصصی و ارائه برنامه‌های عملیاتی مشترک می‌تواند انگیزه‌بخش تشکل‌ها برای مشارکت در این شبکه‌ها باشد. این چارچوب قانونی از موازی‌کاری جلوگیری کرده و انسجام ساختاری را تضمین می‌کند.

ب) ساماندهی نظارتی شبکه‌های ملی

برای ایجاد نظم و انضباط در فعالیت شبکه‌های تشکل‌های اجتماعی، لازم است با مشارکت شبکه‌های ملی موجود، سازوکار و ضوابط دقیق اعتبارسنجی شبکه‌ها توسط مجمع ملی با مشارکت دولت تهیه شود. مواردی مانند حداقل تعداد اعضا، گستردگی جغرافیایی، آثار اجتماعی و سابقه فعالیت می‌تواند بخشی از شاخص‌های اعتبارسنجی تشکل‌ها و شبکه‌های آنها باشد. انتشار عمومی لیست شبکه‌های رسمی و افشای رتبه‌های آنها گام بعدی خواهد بود. همچنین الزام نهادهای دولتی به اخذ نظرات شبکه‌های دارای مجوز در مشاوره‌های سیاستی، جایگاه این شبکه‌ها را ارتقا خواهد داد. این سازوکار نظارتی موجب کاهش آشفتگی در نمایندگی و افزایش مسئولیت‌پذیری شبکه‌ها و دستگاه‌های دولتی می‌شود.

ج) نهادینه‌سازی مشارکت در تصمیم‌گیری

اصلاح قوانین موجود مانند قوانین برنامه و قوانین بودجه سالیانه کشور و سایر قوانین موضوعه کشور برای فراهم‌سازی بستر حضور ساختاریافته نمایندگان شبکه‌های رسمی تشکل‌های اجتماعی در نهادهای تصمیم‌گیر ضروری است. این اصلاحات باید نماینده‌ای از شبکه‌های رسمی را به ترکیب اعضا (با حق رأی) یا ناظرین (بدون حق رأی) کمیسیون‌های تخصصی دولت و مجلس، شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی و شورای اجتماعی کشور اضافه کند. همچنین تعیین سهمیه‌ای مشخص برای حضور شبکه‌های استانی در شورای توسعه و برنامه‌ریزی استان‌ها موجب تقویت نقش‌آفرینی جوامع محلی خواهد شد. این تغییرات، مشارکت واقعی مردم در فرایندهای سیاستگذاری و نظارتی را نهادینه کرده و به تصمیم‌گیری‌های جامع‌نگرتر منجر می‌شود. این دستاورد بسیار مهم، افزایش اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی حاکمیت را به‌دنبال خواهد داشت؛ امری که در شرایط فعلی کشور، ضرورتی محتوم است.

د) تأسیس صندوق حمایتی توسعه شبکه‌ها

تصویب مصوبه‌ای در هیئت‌وزیران برای ایجاد «صندوق حمایت از توسعه شبکه‌های اجتماعی» با مشارکت دولت، تشکل‌ها و کسب‌وکارهای اجتماعی و بخش خصوصی نیز می‌تواند به بلوغ و اثربخشی تشکل‌های کشور کمک کند. این صندوق باید با تخصیص بودجه مناسب، کمک‌های مالی مشروط به تشکیل شبکه‌های جدید در حوزه‌های مغفول مانند معلولان ذهنی یا زنان آسیب‌دیده ارائه دهد. حمایت از اجرای پروژه‌های مشترک بین شبکه‌های استانی و اولویت‌دهی به شبکه‌هایی که برنامه‌های توانمندسازی و آموزش اعضا را اجرا می‌کنند، از دیگر وظایف این صندوق خواهد بود. این صندوق می‌تواند به‌عنوان یک رکن ذیل ساختار «مجمع ملی شبکه‌ها» نیز تشکیل شود. چنین سازوکاری تاب‌آوری مالی و اقتصادی شبکه‌ها را افزایش داده و وابستگی آنها به منابع خارجی را کاهش می‌دهد، ضمن آنکه به توسعه متوازن شبکه‌ها در سراسر کشور نیز کمک می‌کند.

۱. صاحب‌نظران از عناوینی مانند «خانه»، «کنفدراسیون»، «پارلمان»، «اتاق» و «شورای هماهنگی» نیز برای این ساختار استفاده می‌کنند.



جدول ۱ پیوست. فهرست نخبگان اجرایی مشارکت‌کننده در بخش آسیب‌شناسی گزارش

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت
۱	آقای علیرضا آتشک	مدیرعامل شبکه ملی مؤسسات نیکوکاری و خیریه‌ای کشور
۲	آقای عبدالرحیم حزینی	مدیرعامل شبکه ملی سرطان
۳	آقای ناصر قفلی	عضو جامعه خیرین مدرسه‌ساز
۴	خانم پرچهر شاهسوند	عضو مجمع خیرین کشور
۵	آقای مجید بهروزی‌نیا	عضو انجمن عالی مراکز غیردولتی توان‌بخشی کشور
۶	آقای عارف شیخ‌الاسلامی	عضو کانون کشوری مراکز مثبت زندگی
۷	آقای کامران عاروان	عضو تشکل‌های غیردولتی معلولان جسمی- حرکتی کشور
۸	آقای احمد خاکی	عضو کانون کشوری مراکز شبه‌خانواده
۹	خانم منیژه زواشکیانی	عضو کانون مراکز خدمات بهزیستی مثبت زندگی ایرانیان

منابع و مآخذ

- [1] World Bank. (2018). The state of civil society organizations. World Bank Group.
- [2] Keck, M. E., & Sikkink, K. (2014). Activists beyond borders: Advocacy networks in international politics. Cornell University Press.
- [3] Ansell, C., & Gash, A. (2008). Collaborative governance in theory and practice. Journal of public administration research and theory, 18(4), 543-571.
- [4] Wenger, E., McDermott, R., & Snyder, W. M. (2002). Cultivating Communities of Practice: A Guide to Managing Knowledge. Harvard Business Review Press.
- [5] Burt, R. S. (1992). Structural Holes: The Social Structure of Competition. Harvard University Press.
- [6] Podolny, J. M., & Page, K. L. (1998). Network forms of organization. Annual Review of Sociology, 24, 57-76.
- [7] Bebbington, A., Hickey, S., & Mitlin, D. (2008). Can NGOs make a difference? The challenge of development alternatives. Zed Books.
- [8] Edwards, B., & Foley, M. W. (1998). Civil society and social capital: A primer. American Behavioral Scientist, 42(1), 6-14.
- [9] Gaventa, J., & Barrett, G. (2012). Mapping the outcomes of citizen engagement. World Development, 40(12), 2399-2410.
- [10] Della Porta, D., & Diani, M. (2006). Social movements: An introduction (2nd ed.). Blackwell.
- [11] Gouws, A. (2005). Women's movement participation in South Africa. University of Stellenbosch.
- [12] Tarrow, S. (1998). Power in Movement: Social Movements and Contentious Politics. Cambridge University Press.

گزیده سیاستی

شبکه‌سازی در میان تشکل‌های اجتماعی می‌تواند باعث افزایش اثرگذاری آنها و اجرای بهتر مأموریت‌های اجتماعی آنها شود، اما در حال حاضر شبکه‌سازی تشکل‌ها، با برخی موانع نهادی مواجه است.

